

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



پیام

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

به

دانشجویان و دانش آموزان انقلابی

۲۹ شهریور ۱۳۵۹

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

پیام

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

به

دانشجویان و
دانش آموزان انقلابی

۲۹ شهریور ۱۳۵۹

ارتجاعی رقم زده است. توده های خلق یکبار این حکم تاریخ را در مورد رژیم شاه در بهمن ۵۷ به اجرا درآوردند و بدون شک رژیم جدید را نیز از آن مستثنی نخواهند کرد!

تشدید بحران انقلابی

گسترش روزافزون نارضایتیها و اعتلاء جنبش دانشجویان و دانش آموزان

دانشجویان! دانش آموزان جوانان انقلابی و کمونیست! بحران انقلابی جامعه ما که ریشه در سیستم سرمایه داری وابسته دارد از دو سال ونیم پیش آغاز و تا کنون ادامه یافته است. این بحران انقلابی که در تداوم خویش دگرگونیها و تغییر و تحولات بزرگی بوجود آورده است اینک میرود که مراحل حساس و تعیین کننده دیگری را در حرکت سیاسی جامعه شکل داده و بوجود آورد. بحران موجود از یک طرف هر روز بخش های وسیعتری از توده های زحمتکش را بتدریج از سردمداران و مدافعین جدید سیستم سرمایه داری وابسته کننده و به توده های ناراضی می افزاید و از طرف دیگر تضادهای درونی هیات حاکمه را تشدید نموده و آنها را بیش از پیش به جان هم می اندازد. اینک بتدریج زحمتکشان و توده های متوهم جامعه ما درمی یابند که اتوبی جمهوری اسلامی و تمام وعده وعیدهای سردمداران حکومت سراسری بیش نبوده است. آنها در تجربه مداوم و در متن زندگی و حرکت روزمره خویش مشاهده میکنند که سردمداران حکومت نه متعلق به آنان بلکه متعلق به طبقه سرمایه دار و استثمارگر جامعه و مدافع منافع و نیازهای اساسی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم اند. در شرایط حاضر توده های زحمتکش ما تجربه بزرگ و تاریخی ای را در زندگی سیاسی، انقلابی و فرهنگی خویش از سرمیگذرانند آنها بتدریج مشاهده میکنند که

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پشت عسارات و عناوین دهان پرکن و فریبنده‌ای نظیر
 "عدالت و قسط اسلامی"، "حکومت مستضعفین"، "دولت مکتبی" و...
 نه منافع و نیازهای زحمتکشان بلکه منافع و نیازهای بورژوازی
 و سرمایه‌داری وابسته، نهفته است، آنها می‌بینند که در پشت
 چهره‌های "آسمانی" و "مقدس" که گویا عاری از هرگونه منافع و
 آلودگی‌های "دنیوی" هستند، نمایندگان واقعی توده‌های خلق
 بلکه نمایندگان ارتجاع طبقاتی و متحدین ضدانقلابی آنها،
 جاه‌طلبان، جنایتکاران و سرکوبگران خلق، پنهان شده‌اند، آنان
 هم‌اکنون بت‌دریج درمی‌یابند که در پشت آن شعارها و چهره‌های
 پلیدی چون بهشتی‌ها، رفسنجانی‌ها و بنی‌صدرها و بازارکان‌ها...
 منافع نمایندگان چه طبقاتی نهفته است. به همین دلیل است که
 می‌توان گفت توده‌های کارگرو زحمتکش ما یکی از بزرگ‌ترین
 تجربیات و درس‌های زندگی اجتماعی و سیاسی خویش را فرامی‌گیرند
 و این از بسیاری لحاظ ارزشمند است.

بهر صورت در تجربه یکسال و نیم حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری
 اسلامی، کارگران و زحمتکشان درمی‌یابند که ناآنجاکه مربوط به
 زندگی آنان می‌شود برآستی کوچکترین تغییری بوجود نیا آمده
 است، همانطور که تغییرچندانی در وضع سرمایه‌داران و استثمار
 - کران و حاکمیت آنان بر سر نوشت زندگی زحمتکشان ایجاد
 نگشته است.

این مسئله را کارگران و زحمتکشان جامعه ما، در زندگی و
 حرکت روزمره خویش و در اینک می‌بینند اختلاف فاحش زندگیشان
 با توانکران و استثمارکران کوچکترین تغییری ننموده است،
 فرامی‌گیرند، علاوه بر اینها حرکات و سیاستهای فاشیستی‌ای که
 هیئت حاکمه در پیش گرفته است، قدرت طلبی‌ها، انحصارگریهای
 افسارگسیخته و جنون آمیزی که هم‌اکنون در مبارزه قدرت، در
 درون هیئت حاکمه جریان دارد و خصیصه ارتجاعی و ضد دمکراتیک و
 نفرت انگیزی که رژیم در مقابل توده‌ها و خواسته‌های انقلابی
 و حتی ابتدائی‌ترین حقوق دمکراتیک آنان در پیش گرفته است

و بالاخره عملکرد سیاست‌های فوق‌ارتجاعی و قرون وسطائی که تحت پوشش مذهب اعمال میشود، روز بروز برداشته‌نا رضایتی‌ها و فرو ریختن توهم آنان می‌افزاید. بطوریکه متاثر از همین خصوصیات ارتجاعی عقب‌مانده قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی این خطر درجا معه و در برابر مبارزه طبقاتی و ملی جاری بوجود آمده است که ارتجاع مغلوب و اپوزیسیون فوق‌ارتجاعی دار و دسته سرنگون شده قبلی، بتواند با انکشت گذاشتن بر این عملکردها و با سوار شدن بر زمین‌نا رضایتی توده‌ها خویش را بصورت یک آلترنا تید در برابر سیر تحولات سیاسی جامعه مطرح سازد و کوشش نماید تا این نا رضایتی را وسیله برای به انحراف کشاندن مبارزه توده‌ها و به پلکانی برای صعود خود به قله قدرت سیاسی تبدیل نماید، این خطری است که نیروهای انقلابی و انقلابیون کمونیست باید بویژه توده‌ها را نسبت به آن حساس و هوشیار نمایند. هینکست حاکمه هم‌اکنون سیاست سرکوب و اعمال فشار را در تمام عرصه‌های اجتماعی، در پیش گرفته است. هیچ قشر و طبقه‌ای درجا معه نیست که در معرض این سیاست قرار نگرفته باشد. آثار و عوارض این سرکوب جنبش توده‌ای و تعرض به حقوق عادلانه توده‌ها را هر روز، در هر گوشه و به اشکال گوناگون شاهد هستیم. اخراج دسته - جمعی کارگران آگاه و مبارزان از کارخانه‌ها در سراسر کشور، سرکوب مبارزات و جنبش‌های دهقانی، ادا مه سرکوب و حبس‌نا خلق کرد، قطع حقوق تمامی کارمندان و معلمان در نواحی کردستان، فشار اقتصادی بر زندگی توده‌ها، اخراج و تبعید کارمندان و معلمان آگاه از ادارات و مدارس و دانشگاه‌ها، سیاست ارتجاعی اجباری شدن حجاب در موسسات و تبلیغ و ترویج اخلاق عقب‌مانده قرون وسطائی بجای اخلاق انقلابی (که این خود زمینه را برای سوء - استفاده بورژوازی و اخلاقیات آن درجا معه فراهم کرده است) بستن دانشگاه‌ها و مراکز آگاهی دهنده، تفتیش عقاید در ادارات و مدارس، گرفتن تعهد از دانش‌آموزان برای جلوگیری از فعالیت سیاسی و انقلابی اعمال انواع و اقسام فشار و بیضیقات مختلف

در رندکی توده‌ها و... آنها همه نمونه‌های از سیاست‌ها و برآمده‌های سرکوب فوق‌ارتجاعی و اعمال فشار نفرت‌انگیزی است که از خصیصه‌های حکومت پرخاسته و روزانه در رشدنا رضائی توده‌ها نقش بازی کرده و میکند. تحت همین سیاست‌های ارتجاعی سرکوب و فشار و متاثر از همین با رضائیتی‌هاست که در جامعه شاهد حرکات روزافزون مبارزاتی توده‌ها و جوانه‌های رشدیابنده آن در عرصه‌های مختلف اجتماعی هستیم. حرکات و جوانه‌های کسه‌خا معه را در متن اعتلای انقلابی به پیش میراند. در متن همین اعتلاست که چشم‌انداز رشد مقاومت توده‌ای در اشکال و سطوح مختلف و شکل و ارتقا آگاهی و سطح مبارزه هر چه بیشتر طبقه کارگر و توده‌های خلق در برابر جامعه خود نمایی میکند. چشم‌اندازی که در عین حال با ارتقا و تکامل کمی و کیفی اشکال مبارزه و مقاومت توده‌ها در عرصه‌های مختلف، همچون جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد، اعتمادات و تظاهرات کارگری اعتمادات خیابانی و جنبش‌های سراسری صنفی-سیاسی و... همراه بوده و همراه خواهد بود.

این چشم‌انداز عمومی حرکت سیاسی جامعه، یعنی روند اعتلای انقلابی، وظایف بیشماری را در پیش روی کمونیست‌ها قرار می‌دهد که صرف نظر از وظایف عمومی تبلیغ و ترویج و سازماندهی، یکی از اساسی‌ترین این وظایف کوشش در جهت وجود آوردن یک آلترنا تیف انقلابی و پیگیر، به منظور پاسخگویی به این حرکت سیاسی در جامعه است. در خلا، این آلترنا تیف انقلابی و کمونیستی همان طور که گفتیم این خطر وجود دارد، آلترنا تیف‌ها و قطب‌های ارضاعی، لیبرالی و... بتوانند در برابر توده‌های ناراضی عرض اندام کرده و مبارزه و ناراضائی موجود آنها را به مسیر و مجرائی کسانیکه مطابق اهداف و نیات پلید و ارتجاعی آنان است. بدین ترتیب بحران انقلابی جامعه که همواره حرکتی روبه بالا داشته است و موج جدید و متکاملتری از مبارزه را با ویژه‌کهای نوینی در سطح جامعه وجود آورد.

بنابراین با تمام قوا به استقبال وضعیت جدید برویم

اما آنچه که در این رابطه بر عهده جنبش دانشجویان و دانش -
آموزان انقلابی قرار میگیرد چیست؟ جنبش دانشجویان و دانش -
آموزان انقلابی، جزء تفکیکناپذیری از جنبش انقلابی و ضد
امپریالیستی و توده‌های زحمتکش ما بوده و حرکت اعتلایافته
آن همواره و همیشه متاثر از وضعیت عمومی جنبش توده‌ها بوده است
سطح و کیفیت حرکت و مبارزات دانشجویان و دانش‌آموزان
انقلابی ما که در بخش غالب خود از بطن زندگی توده‌ها برخاسته و
زندگیشان با زندگی آنان درآمیخته است، همواره بیان‌کننده
سطح نا رضائیه‌ها، رنج‌ها و مشکلاتی بوده است که توده‌های ما با آن
دست‌گیر می‌نمایند. توده‌های انقلابی دانشجویان و دانش‌آموزان
بدلیل موقعیت ویژه خود در اجتماع بدلیل حساسیت بیشتری که
در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی از خود بروز میدهند، بویژه
بدلیل سطح نسبتاً بالایی آگاهی آنها نسبت به ساقش و
طبقات جامعه، عموماً از جنبش پیشرفته‌ای برخوردارند و با سرعت
و شتاب بیشتری تضادهای طبقاتی جامعه و تضاد توده‌ها با هیئت
حاکمه را در خود منعکس میکنند. در عین حال که حرکت و مبارزه
دانشجویان و دانش‌آموزان خودتبلوری از حرکت و مبارزه توده‌
ها و انعکاسی از سطح نا رضایتی و مبارزه آنها بر علیه رژیم
ارتجاعی حاکم می‌باشد.

به این ترتیب با توجه به چنانچه از حرکت عمومی جامعه و
جنبش خلق، میتوان بطور قطع شکل‌گیری یک حرکت سراسری
دانشجویی و دانش‌آموزی را بمثابة یکی از بخشهای پیشرفته
جنبش خلق و پیش‌درآمد موج نوینی از مبارزه انقلابی در جامعه
را به روشنی پیش‌بینی نمود. این حرکتی نیست که اراده‌ای و
آن در ایجاد و یا جلوگیری از آن نقش تعیین‌کننده داشته باشد،
این چنانچه اندازی است که حرکت درونی جامعه، متاثر از بحران
انقلابی موجود در پیش چشم ما می‌گشاید. چنانچه از حرکتی که
با پدید آمدن و هوشیاری انقلابی به استقبال آن شتافت، آنرا
آگاهانه و نقشه‌مند و با تدارک سیاسی و سازمانی، متولد نموده و

آنها را شهود هدایت و متشکل نمود. این است هم اکنون وظیفه و تاکتیک محوری کمونیست‌ها در قبال جنبش دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی. تاکتیکی که تبلیغ وسیع و گسترده آن در درون جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی، یکی از وظایف اساسی تشکلات انقلابی و بویژه مجلس دانشجویی و دانش‌آموزی در شرایط کنونی است.

در همین رابطه وظیفه بسیار مهمی که در برابر تشکلات دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی و کمونیست قرار دارد، کوشش در جهت بسیج و هدایت جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی و سوق دادن آن در جهت پیوند با توده‌هاست. شعارها و درخواست‌های صنفی - سیاسی جنبش دانشجویان و دانش‌آموزان، جزئی از شعارها و درخواست‌های عمومی خلق است. در شرایط حاضر واضح است که جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی، بدون اینکه مبارزه و شعارهایش را به مرکز افکار و سیاستی و جاندار علیه رژیم حاکم تبدیل کند، بدون جلب پشتیبانی توده‌های زحمتکش از این شعارها، بدون توجه به رابطه ضروری و منطقی این درخواست‌ها با درخواست‌های عمومی خلق، نمیتواند مفهوم و معنای واقعی خود را با زیاده‌متقابل پشتیبانی از شعارهای عمومی توده‌ها، شرکت فعال در مبارزات توده‌ای، یاری رساندن به بسیج، سازماندهی و اعتلای آگاهی توده‌ها، از زمره وظایف اساسی است که بر دوش جنبش دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی سنگینی میکنند. اما در برابر این سؤال که آیا یک حرکت و جنبش سراسری دانشجویی و دانش‌آموزی در شرایط حاضر را چگونه میتوان عملی ساخت و نیز در پاسخ به این سؤالات که شروع آگاهانه و هدایت شده یک حرکت سراسری و تاکتیک‌های جزئی آن چه زمانی باید باشد، این حرکت سراسری چگونه باید شکل گیرد و... باید گفت که تمامی این مسائل به مجموعه فعالیت‌های تدارکاتی، سازمانی، تشکلهای دانشجویی - دانش‌آموزی، و به خصوص به درجه‌های هماهنگی و اتحاد عمل ضرورتاً در هدایت این حرکت سراسری دارد، تشکلاتی که خود

تحت رهبری و هدایت مستقیم سازمانهای سیاسی موجود هستند. اما آنان باید هشیار باشند، قبل از اینکه حرکت خود بخودی محال هدایت و رهبری نقشه مندر را از آنان سلب کند و آنها را غافلگیر نماید هر چه سریعتر به تدارک بنشینند و خویش را برای پاسخگویی به این وظایف اساسی آماده سازند. آنچه که اهمیت دارد درک این حرکت توده‌ای و برخورد انقلابی به آن و کوشش در جهت پاسخگویی به ملزومات عملی و تاکتیکی آن است. در این رابطه به خصوص مبارزه ایدئولوژیک با گرایش‌های و جریان‌های سازشکارانه و محافظه کارانه‌ای که سعی خواهند نمود با اشکال مختلف در برابر این حرکت قرا ر گرفته و دانشجویان و دانش آموزان را از یک پاسخ انقلابی که راهگشای جنبش آنان خواهد بود، محروم نمایند بسیار ضروریست.

شعارهایی که در خدمت تولد، رشد و اعتلا این حرکت قرا رمی - گیردهم شعارهای صنفی و هم سیاسی میتواند باشد. شعارهایی نظیر با زنگشایی دانشگاهها، با زنگش معلمین اخراج شده آگاه و مبارز، با زنگش دانش آموزان اخراج شده آگاه و مبارز، لغو منطقه‌ای کردن نامنویسی در مدارس، لغو تعهدنامه‌های شیت نام آزادی فعالیت‌های سیاسی و آگاه‌ها گرانده در مدارس مبارزه با تفتیش عقاید و... و نیز شعارهایی که در جهت پیوند با زحمتکشان و حمایت از مبارزات خلق‌های تحت ستم و بویژه خلق کرد میباشند از جمله شعارهایی هستند که میتوانند در خدمت رشد و اعتلا این مبارزه قرا ر گرفته و جنبش سراسری دانشجویان و دانش آموزان را به حول آنها به حرکت درآورد. در صفحات بعد به این شعارها با هم اشاره خواهیم کرد.



نگاهی به سیاست «فرهنگی» رژیم و هدف‌هایی که دنبال میکند؟

سیاست "فرهنگی" رژیم جمهوری اسلامی از ماهیت طبقاتی آن منشاء می‌گیرد. رژیمی که می‌خواهد سیستم سرمایه‌داری وابسته بدامپریالیسم را درپوش جدیدی بازسازی نماید طبعا نمی‌تواند درسیاست "فرهنگی" خود نیز از همین سیاست پیروی نکند.

برای آنکه سرمایه‌داران وابسته بتوانند حاکمیت مترزل خویش را از نو، حفظ و ترمیم نمایند، لازم است تا به شدت با خطری که این حاکمیت را تهدید میکند، مقابله شود، و این خطر چیزی نیست جز ادا مدبهران انقلابی و روحیه انقلابی توده‌ها.

سیاست عمومی رژیم در مقابل این بحران انقلابی، درطول هیجده ماهی که از عمر آن می‌گذرد، اساسا بر دو تاکتیک مبتنی بوده است که گاهی از این یا آن تاکتیک و گاهی از هر دو آنها استفاده کرده است: یکی تاکتیک لیبرال نمایی دروعین و دیگری تاکتیک سرکوبی رحمانه است. نمونه روشن تاکتیک اول را میتوان در جریان "اشغال سفارت" و وقایع بعدی آن دید نمونه تاکتیک دوم حمله اول به کردستان و سلب آزادیهای دموکراتیک همزمان با آن است. اتخاذ هر یک از این تاکتیکها از سوی هیات حاکمه، نه فقط مبتنی بر سطح رشد جنبش توده‌ای است (و این عامل درجه اول میباشد) بلکه علاوه بر آن به دعواهای درونی هیات حاکمه و تناسب درونی جناح‌های مختلف آن نیز مربوط میشود.

دوره‌ای که از اردیبهشت ما تا سال آغاز شد و نشان دادن سرکوب همزمان جنبش دانشجویی و جنبش مقاومت خلق کرد بود، اگرچه مشخصه آن اتخاذ شیوه‌های فاشیستی بود ولی برخلاف دوره اول سرکوب، آراسته به اشکال معینی از لیبرال نمایی محدود بوده و در سرکوب انقلاب از شیوه‌های بی‌کیفرتری استفاده می‌نماید.

امروزه جنبش خلق با اتخاذ شیوه‌های فاشیستی از سوی رژیم روبروست که نه فقط این قشر، این طبقه یا آن خلق را مورد حمله قرار میدهد، بلکه در مجموع یک شبکه همه‌جانبه از اعمال فشار را نسبت به تمام آحاد خلق دربرمیگیرد. ترورنا جوانان و مردان و اعدام انقلابیون، دستگیری‌های وسیع و پرکردن زندان‌ها، اخراج و تصفیه عناصربا رزا وزارت خانه‌ها، ادارات، موسسات عمومی، مدارس، دانشگاه‌ها و...، سرکوب فاشیستی و بی‌سابقه خلق کرد "بسیج توده‌ای" ضدانقلابی با عوام‌فریبی و سوءاستفاده از اعتماد روبه‌تزلزل توده‌ها نسبت به خود در قالب آئین‌ها و مراسم مذهبی، و... این شیوه‌های سرکوبگرانه، تازه علاوه بر آن فشارهای اقتصادی است که رژیم بردوش زحمتکشان میهن ما سوار کرده و آن‌ها را تحت منگنه ستمگری و استثمای خود قرار داده است.

با وجود این تا کتیک‌های ارتجاعی، سطح جنبش توده‌ای مرتباً روبه‌بالا می‌رود و در مقابل اعمال فشار، ستون‌های مقاومت انقلابی را بوجود می‌آورد. جوانان‌های مقاومت در تمام اقشار خلق دیده می‌شود، منتها سطح این مقاومت بنا به وضعیت قشر یا طبقه خاص تفاوت می‌کند. مقاومت دلیرانه خلق کرد در سیر حرکت خویش همواره جهت‌آویز یا بنده داشته‌است. درگیری‌ها و دربرخی موارد شورش‌های دهقانی علیه رزم‌طرح‌های "ارضی" رژیم به نحوی گریزناپذیر با لامیاید، اعتراضات و نا رضایتی توده‌های زحمتکش شهری که از فقدان مسکن، گرانی ارزاق و اجناس عمومی رنج می‌برند بخوبی دیده شده و در بعضی موارد بصورت درگیری‌های آشکار بین مردم و پادشاهان جلوه‌گر می‌شود در صفوف طبقه کارگر: اعتراضات، اعتصابات، تحصن‌ها، تصرف کارخانجات و درگیری‌های آشکار در حال تداوم است. در یک کلام، در مقابل اعمال تا کتیک‌های سرکوبگرانه و فشار اقتصادی - اجتماعی رژیم، توده‌های زحمتکش مقاومت کرده و علیه رزم آن که هنوز بخش مهمی از توده‌ها نسبت به رژیم در توهم بسر می‌برند، ولی جوانان‌های مقاومت آگاهانه در حال گسترش است.

در کنار بقیه اقسام خلق، توده های روشنفکر قرار دارند که در اداره ها، موسسات عمومی، مدارس، دانشگاه ها و... تحت فشار قرار گرفته و رژیم بخصوص سعی میکند که به بهانه "غریزدگی" و "لامذهبی" توده های زحمتکش را در مقابل آن ها قرار دهد. (این همان سیاست دام زدن به تظادهای درون خلق است که بصورت قرارداد دادن اقلیت سنتی در مقابل اقلیت غیرسنتی، خلق فارس در مقابل خلق کرد و ترکمن، مذهب شیعه در مقابل مذاهب دیگر مدنیتهاست که از طرف رژیم دنبال میشود) تصفیه ضد انقلابی کارمندان، معلمان، استادان و... ایجاد تضییقات به بهانه "حجاب" و "آداب مذهبی"... روشهایی است که رژیم بخصوص در دوره اخیر به شدت از آن ها استفاده میکند.

سیاست فرهنگی رژیم جزئی از همین سیاست "سرکوب انقلاب" است. رژیم جمهوری اسلامی میخواهد تا دانشگاه ها و مدارس را از صورت گمانون های انقلابی به هیأت تاریکخانه های قرون وسطائی درآورد، میخواهد تا آن شور و آگاهی انقلابی را که توده های دانشجوی و دانش آموز در سالهای انقلاب وطنی مبارزه با رژیم شاه بدست آورده اند، به وسیله خاموش سازد و بجای آن ایدئولوژی پیوسیده و منحط خویش را که فقط به درد حفظ حاکمیت سرمایه داران میخورد بنشاند. امروزه این طرح های ضد انقلابی تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" به خورد توده ها داده میشود و هدف خود را سرکوب انقلاب در دانشگاه و مدرسه قرار داده است.

الف- تعطیل دانشگاه یعنی وحشت از آگاهی توده ها

اندیشه تعطیل دانشگاه از همان روزهای اول پس از قیام یکی از راه های مقابله "حزب جمهوری اسلامی" با این ستاد آگاهی بوده است. این نقشه گوا اینکه متقابلاً باعث تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی شده و با احتیاجات رژیم سرمایه داری که نیازمند تکنوکرات ها و بوروکرات های آماده به کار میباشند خوانائی ندارد لکن از جانب رژیم پیاده شد تا هر چه زودتر به درهم شکستن سنگر آگاهی

توده‌ها منجر شود. خصلت ضدتوده‌ای این طرح نه تنها از ایمن‌
 مایه‌ها ارتجاعی برمی‌خیزد، بلکه هم‌چنین در لطماتی که
 علی‌الخصوص زحمتکشان ما از قطع تحصیل فرزندان خود می‌بینند
 نیز نمودار است.

می‌گویند که «ارتجاع کورکن خویش است» تعطیل دانشگاه‌ها نه
 تنها باعث فروکش جنبش انقلابی دانشجویی نشد، بلکه برعکس به
 دانشجویان انقلابی و بخصوص کمونیست‌ها فرصت داد تا به میان
 زحمتکشان شهر و روستا رفته، و دانش انقلابی خود را از طریق
 «دکه‌های انقلابی» در خاشاک خیابان‌ها، کاردرکارخانه و روستا به
 زحمتکشان منتقل سازند. علاوه بر این، «تعطیل دانشگاه‌ها» خوبی
 زمینه‌افزایی را با زکرده و می‌تواند به توده‌ها نشان دهد که
 چگونه کاری را که رژیم شاه هم‌جرات آن را نداشت، این
 رژیم با بی‌شرمی انجام می‌دهد و آن را مبارزه با فرهنگ امپری-
 یالیستی می‌گذارد! «تعطیل دانشگاه‌ها» به جنبش دانشجویی کمک
 می‌کند که نه تنها دانشجویان و دانش‌آموزان را حول یک شعار واحد
 متشکل کند، بلکه علاوه بر آن زحمتکشان و کارگران آگاهی را که
 در تمام ماه‌های انقلاب با روی آوردن به دانشگاه‌ها از این منبع
 آگاهی کسب فیض کرده و آن را خانه خود می‌شمردند، حول این شعار
 جلب نماید. (با زنگشایی دانشگاه‌ها نه تنها یک شعار و خواست
 عادلانه و برحق جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی است، بلکه علاوه
 بر آن می‌تواند با یک شعار و خواست عمومی خلق بوده و به زمینه
 - سازی مقاومت خلق کمک رساند.

ب- «اسلامی کردن» مدارس یعنی سرکوب دانش‌آموزان

و معلمان انقلابی و کمونیست!

رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب انقلاب در مدارس نمی‌تواند
 از همان سیاستی که در دانشگاه‌ها استفاده کرده، سودبرد که سرکوب
 مدارس چه در سطح کشور و چه از لحاظ تعداد و میزان آمیختگی آن‌ها،

زندگی زحمتکشان به رژیم اجازه نمی‌دهد که دست به تعطیل مدارس زند و مجبور است که برای اعمال شیوه‌های فاشیستی در مدارس از شیوه‌های متنوع تروا شکل پیچیده ترا استفاده کند. البته در برخی از مناطق مانند کردستان و بخشی از لرستان، رژیم سیاست تعطیل مدارس و انحلال ادارات آموزش و پرورش را پیاده کرده است که نشان دهنده وضع خاص این مناطق و بالا بودن سطح جنیش توده‌ای در آن جاست. در جایی که رژیم زحمتکشان کرد را شبانه روز زیر کبارکلوله و بمباران گرفته است واضح است که محاصره اقتصادی و انحلال مدارس بصورت امری طبیعی جلوه‌گر می‌شود که در مقایسه با آن اعمال وحشیانه جزئی می‌نماید.

اینک به برخی از مهمترین طرح‌های رژیم که برای سرکوب دانش‌آموزان و معلمان انقلابی و بخصوص کمونیست طرح ریزی و پیاده شده است در زیر اشاره می‌کنیم:

۱- اخراج معلمان انقلابی و کمونیست

ما همیست که رژیم معلمان مبارز و کمونیست را به بهانه "منحرف بودن" از آموزش و پرورش اخراج کرده و بجای آنها دست به استخدام آموزکارانی می‌زند که "بیروخت امام" یا به عبارت دیگر در خدمت رژیم سرمایه داران باشند. این محدودیت ضد انقلابی باعث می‌شود که آموزکاران کمونیست و انقلابی فقط به جرم داشتن یک عقیده "غیر قانونی" از حق اشتغال محروم شده و از نان خوردن بیفتند. رژیم که دم از "قانون اساسی" و "حفظ آزادیهای دموکراتیک" می‌زند کار را به جایی رسانده که حق اشتغال را موکول به داشتن عقیده خاصی کرده است. آیا نمیتوان این عمل را با عمل نژادپرست - آن آفریقای جنوبی یا فاشیستهای هیتلری مقایسه کرد که افراد را به خاطر داشتن نژاد یا عقیده دیگر از حق اشتغال محروم می‌کردند؟

۲- اخراج دانش آموزان انقلابی و کمونیست

امسال برای اخراج دانش آموزان انقلابی و کمونیست جیل جدیدی زده اند: تعهدنا مه شبت نام! در این تعهدنا مه قید میشود که دانش آموزان فعالیت‌های گروهی محروم بوده و در صورت ارتکاب به چنین فعالیت‌هایی، از مدرسه اخراج خواهند شد. بعلاوه به دانش آموزان گفته میشود که بجز کتابهای درسی و لوازم التحریر از آوردن هر چیز دیگری به مدرسه محروم هستند. طبیعی است که این همان طرح "تفتیش عقاید" و "بازرسی بدنی" دانش آموزان در حین ورود و خروج از مدرسه است که تصور نمیکنیم حتی ساواک شاه هم جرات اجرای چنین طرحی را داشت!

۳- «دو نوبتی کردن» وقت مدارس

در این طرح دانش آموزان مجبورند بجای آن که از ۸ صبح تا ۲ عصر به مدرسه بروند از ۸ تا ۱۲ و مجدداً از ۲ تا ۴ به مدرسه بروند. این طرح علاوه بر آنکه باعث میشود فرزندان زحمتکشان که مجبورند بخواهر یا برادر کوچک خود یا خانواده‌های کوچک کار کنند یا به دستفروشی بپردازند، از کار بیکار شوند (و این خود ماهیت ضدکارگری رژیم را عریان میکند) اجازه نخواهد داد که دانش آموزان از اوقات اضافی برای کمک به انقلاب (یعنی پخش اعلامیه، فروش نشریه‌ها، زمانهای انقلابی و کمونیستی و تبلیغ و ترویج و سازماندهی توده‌ها) استفاده نمایند.

۴- «منطقه‌ای کردن» مدارس

در این طرح دانش آموزان مجبورند که "در منطقه خود به مدرسه بروند. این امر علاوه بر آنکه باعث میشود فرزندان زحمتکشان اجباراً در مدارس جنوب شهر که دارای امکانات و تسهیلات کمتر ولی دانش آموز بیشتر هستند بمانند، اجازه نخواهد داد که دانش

آموزانی که در طی ماههای انقلاب به یکدیگر پیوند خورده و در طی یک روند مبارزاتی و احیای روش یافته اند، حتی با یکدیگر با شد مهمتر از آن، به کمیته‌های محل و عوامل جاسوس اجاز می‌دهد که با حتی بیشتر، دانش‌آموزان را تحت کنترل دانستند باشند. بخصوص در این امر رژیم جمهوری اسلامی به مساعدت خانواده‌ها با انجمنهای اسلامی "مدرسه امید بسته است. این رژیم که کانون کرم خانواده (یعنی همان چیزی که درجا معما فقط خانواده‌ها پولدار بورژوا و خرده بورژوا از آن بهره‌مند هستند) را تا مل خوبی در به زنجیر کشیدن دانش‌آموزان انقلابی می‌سناسد، سعی میکند تا با برجسته کردن مسائل اخلاقی والدین دانش‌آموزان را نگران کرده و آنها را وادار دتا در محدود کردن فرزندان انقلابی خود به او کمک کنند. (کاری که رژیم شاه نیز انجام میداد)

۵- انحلال «کانونهای دانش‌آموزی»

کانونهای دانش‌آموزی یکی از دستاوردهای انقلاب ما است. بسیاری از مدارس، دانش‌آموزان انقلابی توانسته اند در آن برای خود دائر کرده و نشریات دیواری یا فروشی تهیه کنند رژیم دشمن اینگونه فعالیتهاست. او میکوشد تا به جای این کانون‌ها "انجمنهای اسلامی" دفاع از حزب جمهوری اسلامی، کلاسهای ایدئولوژیک و مانند آن را دائر کند، تا بدین وسیله هم روحیه انقلابی را در توده‌های دانش‌آموز کشته و هم جاسوسخانه‌های برای خود دائر باشد. (واضح است که در اینگونه انجمنهای اسلامی از مذهبی‌های مترقی و انقلابی نظیر هواداران مجاهدین خلق خبری نیست و تنها عناصر وابسته و فریب خورده کانون رژیم جمهوری اسلامی در آن جمع هستند).

۶- شهریه

سال قبل رژیم به خانواده‌هایی که نمی‌توانستند شهریه

ارشیو انستت سازمان پیکار در راه آزادی طبعم کارگر

مدرسه فرزندان خود را بپردازند در برخی موارد تخفیف مبداد ولی امسال این تخفیف فقط شامل دانش آموزانی میشود که "منحرف" نیستند! سهریه مدارس اگر چه چندان گران نیست ولی برای زحمت - کسان که معمولاً پیرا و لاد هستند و فرزندان مدرسه روزیاد دارند - بار سنگینی است .

۷- «حجاب» اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی به اسم حفظ "حجاب" سعی میکند دختران و معلمان زن انقلابی و کمونیست را از مدارس اخراج کند . واضح است که یوسش مناسب یکی از اصول ابتدائی اخلاق کمونیستی است . منتها رژیمی که حافظ سرمایه داری، یعنی عامل اصلی فساد، فحشاء، جهل، فقر و... است هیچگاه نخواهد توانست با عوام - فریبی، سوده های مردم را از شناخت عامل اصلی بی تعلقی باز دارد . (طرح حجاب اسلامی حتماً اعتراض زنان و دختران بورژوا را هم دامن زده و این مساله را بصورت مساله کلیدی مخالفت آنها با رژیم در آورده است . واضح است که کمونیستها از زاویه بورژوائی حرکت نکرده و افناگری پیرامون "حجاب اسلامی" را تنها در کنش محورهای اصلی مبارزه و یکی از مسائل فرعی می دانند .)

درنهایت این طرحها ، خط روشن سیاست سرکوب انقلاب در مدارس دیده میشود . ساسی که میگویند با داغان کردن نسل انقلابی ترهنگ انقلابی را از مدارس ما نبرد کرده و بدین وسیله زحمتکشان مبین ما را از یکی از کانونهای فروزان آگاهی محروم سازد .



تضادهای درونی رژیم در اجرای سیاست «فرهنگی» خود

عامل اصلی در تشدید تضادهای درونی رژیم کدبه‌ها و احبازه نمیدهد آنطور که دلش میخواهد به سیاست سرکوب انقلاب (که سیاست فرهنگی جزئی از آن است) بپردازد، همان عامل رشد انقلاب یعنی ادا مه بحران انقلابی و در کنار آن ادا مدمقاومت انقلابی و سازمان دهی انقلابی است. رشد انقلاب "تالانشیا" را به جان بکشد کنسر انداخته و آنها را و امیدار دتا هریک به اقتضای مصالح سری خود در صدد چاره جوئی برآمده و "کناه" را به کردن دیگری بسندار بند. خود این شکاف در بالا، عامل موثری است که به رشد انقلاب و حاسار کردن جوانه های آن کمک میرساند. اختلاف بین حناج "لبرالهای" بنی صدری و "حزب جمهوری اسلامی" چیزی نیست مگر دعوی دو حناج بورژوازی بر سر چگونگی سرکوب انقلاب و براد ادا ختن حرمه های زنک زده سیستم سرما به داری و ایستند ا مریا لسم، در سیاست "فرهنگی" نیز این دو حناج بورژوازی هریک سلیقه خاص خود را دارد. "لبرالهای" بنی صدری "دوران دبسی" لبرالی دارد. آنها میدانند که تعطیل دانشگاهها یعنی فقدان میبدسن و مدیران کارخانه های سرمایه داران و تعمیق بحران اقتصادی - سیاسی حاضر. آنها در عین حال که هواداری کم و کاست سیاست سرکوب و خفقان هستند ولی در زدن "تاکسک" اسادید ا در مقابل "حزب" قرار دارند که سعی میکند با بسج بوده ای "و تحریک احساسات مذهبی" مانع را از مقابل خود بردارد. این حناج نه تنها حواسار تعطیل دانشگاهها، بلکه خواستار بستن مدارس در صورت لزوم نیز هست.

علیرغم اینکه تضادهای درونی رژیم دست و پای او را در پوست کرد و میکند اردو یک عامل برای رشد انقلاب و نکامل حس انقلابی

دانشجویان و دانش‌آموزان می‌بایست، وای آن‌ها ملی که نقش تعیین
کننده در تسریع این کار دارد، سازماندهی انقلاب و رشد مقام و
بودن و در اینجا رشد و استحکام جنبش انقلابی دانشجویان و
دانش‌آموزان است. این است ضامن اصلی حفظ و گسترش مساعدت
دانشجویان و دانش‌آموزان به انقلاب.



رویزیونیست‌ها

حامیان سیاست "فرهنگی" رژیم!

ارتجاع و ضدانقلاب در میان توده‌های خلق "دوستانی" دارد اینها همان "دوستان دروغین" خلق هستند که پیش از خودبپورز - وازی به او خدمت میکنند، از شاخص‌ترین این "دوستان دروغین" امروز با یداز رویونیست‌ها نام برد.

رویزیونیست‌ها در اشکال مختلف - توده‌ای، فدائی (اکثریت) و سبجهائی میکوشند تا با ترفندهای سازشکارانه خود به ارتجاع داده و در ضمن توده‌ها را به سازش با او بکشانند. آنها به ارتجاع میکوبند: کمی ملایم تر عمل کن و از توده‌ها میخواهند که "نظم و قانون" را محترم بشمارند و از ایجاد "تشنج" پرهیز کنند. نمونه نوبر - آنها این دسته از دوستان دروغین "خلق و طبقه کارگر سازمان فدائیان (اکثریت)" است... آنها بدون اعتماد به توده و انقلاب به هیأت حاکمه اعتماد کرده و از توده‌ها میخواهند که به رژیم اعتماد کنند. آنها از مجریان سیاست "فرهنگی" رژیم میخواهند که بجای تکیه بر "مدیران" مدرسه بر "شورا‌های دانش آموزی" تکیه کنند بجای اینکه مدیر مدرسه یک دانش آموز انقلابی را به علت ۵ بار غیبت غیرموجه اخراج کند، این کار را به "شورا‌های دانش آموزان و معلمان" بسپارد! در ضمن از دانش آموزان انقلابی نیز میخواهند که "غیبت غیرموجه" نکنند، به مفهوم دیگر وقت خود را صرف بخش اعلامیه و فروش نشریه نسا زنده! (رجوع کنید به "نبرد دانش آموز" ارکان سراسری دانش آموزان پیشکام، شماره ۳۵) فدائی‌های (اکثریت) رویونیست از دانش آموزان میخواهند که در چهار - چوب قانون اساسی عمل کرده و در خط "ضد امپریالیستی" اما به سرکوب انقلاب ضدا امپریالیستی بپردازند. آنها دشمنان انقلاب و

طنبندکار کرا بران هسند .

درا سجا با بدیدا سراسی کدنهوات لیسرا لی سازمان مجاهدین خلق نسبت بد جناح لیسرا لهای بسی مدوری در جنبش انقلابی داس - آموزان و دانشجویان مکدرا ر دیسرا ساره کرد . هواداران مجاهدین خلق کدنهوات بسی از دانشجویان و داسرا آموزان انقلابی و دموکرات را تشکیل مدهند ، با وجود آنکد بدلیل دموکراسیسم انقلابی خود در مقابل رژیم اسناد دهویکی از عوامل مقاومت در مدارس و داسجا چنها هسند ، اما بدلیل سوهما ت خود نسبت بد جناحی ارضیات حا کمد نسبت بد آن دجا ر خوبا وری بوده و با بد رسمیت شناختن نا بسو ست رژیم سجا بصورت "ایورسیون" سر بر د آن عمل میکند . این انحرافات عمیق باعث آن میسود کد جنبش انقلابی دجا ر سترند و جد دسکی بد و وحدت آن دجا را اختلال کردد . با وجود اسر باید میان مبارز دنا انحرافات مجاهدین و مبارز دنا بر هات روبروسی رویزیونیستها در جنبش داسجری و داسرا آموزی تری کداس . اولی هاد دموکراسیهای ناپیکر هسند کد داسا - بیکرینها سوهما ت آنها اساده وجود آنها بد قبط انقلاب جذب کردد . حال آنکد در مورد رویزیونیستها با بد سیاست پرد و افشا کامل رادریس کرند و با افشای تر هات رویزیونیستی مان بودد - هارا از حول آنها بکد داسا خب .

کمونیسنها از رفرم هم استفاده میکند ولی بد دفع انقلاب آنها خوا سار لغو سهرید ، لغو ضوابط دوسویی کردن ، منطفی دای کردن و لغو "تعهد نامه" های نسکن شیت نام هسند . این خود رفرم است ولی در سبب این در خوا سنها روحید انقلابی خوا بیده است . در سبب این در خوا سنها بد جابلوسی در آستان سورژوازی ، بلکه روحید سیح نوده دای سازمان بدی نوده ها حول شعار های ناکنیک و بد مسطور حرک استراتژیک یعنی ضریه نهایی انقلاب تریک ر رژیم ارضاعی جمهوری اسلامی خوا بیده است . برای انقلابیون کنویست رفرم وسیله است بد هدف ، وسیله دای است برای سازمان - دهی بوده ها ، حال آنکد بر عکس برای رویزیونیسهای حاتن ، رفرم

هدف است نه وسیله. برای ارجمند دانستن آموزش فدا شیهای (اکثریت)
حفظ علیی "شوراها" دانستن آموزش یک هدف است، حتی این شوراها
میتوانند بجای "مدیریت مدرسه" غیبتهای غیرموجه دانستن آموزش را
انقلابی و به عبارت دیگر اقدامات انقلابی دانستن آموزش را مورد
تفتیش فدا انقلابی قرار دهند!



افشاگری، سازماندهی، مقاومت سراسری، این است شعار جنبش انقلابی دانشجویان و دانش آموزان

شعارها و تاکتیکهای انقلابی جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و کمونیست نمی توانند انعکاس شعارها و تاکتیکهای انقلابی خلق و طبقه کارگر در این مرحله نباشند. آنها جزئی از این شعارها، و تاکتیکها بوده و فقط انعکاس این شعارها و تاکتیکهای عمومی در بخشی از خلق میباشد. در این شرایط که رژیم جمهوری اسلامی بدستگرفته و احادسودهای فاسدسی دست داده است و بویژه مقاومت در مقابل این سرکوبها را منای اساسی شعارها و تاکتیکهای عمومی خلق در این دوره میدانیم. دامن زدن بدین مفاهیم و سازماندهی هرچه وسیعتر آنها از نفع شعارهای آن تا بدخترهای سیاسی، این وظیفه ای است که امروزه در برابر هر انقلابی دمکرات و بویژه کمونیست قرار دارد. رژیم پسر از سرکوب دانشکا در اردیبهشت ماه کوشید تا از مرکز آری مراسم و نظایرات خیابانی که موثرترین نحوه برای انضام مابین ضد خلقی اوست جلوگیری کند ولی کوششهای رژیم عبت بود. از همان ابتدای نظایرات توده ای دانشجویان، دهکده داران و کارگران در شهرهای بزرگ، نقشه های رژیم را نقش بر آب کرد. امروزه سازماندهی انقلابی جنبش خلق باید بر همین اساس انجام گرفته و جسم انداز خود را اعتلا هرچه بیشتر انقلاب قرار دهد. چشم -

اندا را آینده انجام وظایف و تسخیر، اعمشایات یکپارچه و طولانی و رویا رونی کا مل دربرابر رژیم است. این چشم انداز میرساند که کامهای امروز ما میتوانند پیش درآمد حرکت وسیع آینده باشد و باید خود را از همین امروز آماده حرکات سراسری بزرگ کرده و از هر فرصت به نفع آن استفاده کرد.

شعارهای صنفی مبارزه

شعار صنفی محوری جنبش دانشجویی در این مرحله "باز - کسائی دانشگاهها" می باشد. عده ای از رفقا تحت این عنوان که این شعارها را لبرالها "هم می دهند از قبول آن سر باز زده و برخی به قبول شعار "تحریم دانشگاهها" که شعار حزب همه گیری اسلامی است می افتند. البته درست است که لبرالها هم صحبت از "باز کسائی دانشگاهها" می کنند، ولی زاویه برخورد ما به این شعار با زاویه برخورد لبرالی آن زمین تا آسمان فرق دارد. ما با طرح شعار "باز کسائی دانشگاهها" نوده انقلابی دانشجویان را مشکل کرده و در برابر رژیم قرار میدهم، حال آنکه لبرالها با نق و نق کردن و عریضه نویسی از رژیم میخواهند برای جلو گیری از تشنج دانشگاهها را باز کنند. تا کادرهایی برای رژیم سرمایه داری پرورش یا بند در صورتیکه ما به دانشگاهها بعنوان سنگر آزادی و مبارزه نگاه میکنیم. دانشگاهها امروز یک واقعیت مسلم است که نوده های دانشجویان حول یک شعار دمکراتیک در برابر رژیم مشکل می سازد. دانشجویان کمونیست از این تشکل استفاده کرده و در جهت شعارهای اساسی و سیاسی تر، نوده های دانشجویان به حرکت در خواهند آورد. نوده های خلق مبارزات قهرمانانه - نوده های دانشجویان در دوران اختناق شاه و در حین انقلاب باید دارند و از اینکه رژیم جمهوری اسلامی به تعطیل این سنگر آزادی دست زده است خصمکین هستند. این زمینه خوبی برای افشای ما هیت صدمه دمکراتیک رژیم است و رژیم در برابر جنبش دانش

- آموزی از ناکسکهای متنوع و بیحد استفاده کرده کرد و از اسرو
شعارهای مانیزمیتوانند در رایطه با جنبش دانش آموزی در اس
مرحله متنوع و حدکا نه باشد. ولی بطور کلی میتوان گفت که
شعارهای ناکتکی برای گسترش جنبش دانش آموزی به فرا رزیر
است :

۱- در برابر اخراج دانش آموزان و معلمان انقلابی باید
مبارزه برخیزیم!

۲- دونویستی کردن، منطقه ای کردن، تبعیضات، شهرت لغو
باید کرد!

رفقا در کنار این شعارها میتوانند از شعارهای دیگر مثلاً
شعارهایی برامون افشای "حجاب اسلامی" و ... استفاده کنند
ولی هیچگاه این شعارها نباید جنبه فرعی خود را از دست بدهند و
همیشه باید تحت السعاع شعارهای محوری و از جمله شعارهای
عمومی جنبش خلق باشد.



پیروزی از آن انقلاب و شکست از آن ارتجاع است!

پیروزی از آن انقلاب و شکست از آن ارتجاع است. ادامه بحران انقلابی در جامعه و روند اعتلای انقلابی در اقصای نقاط ایران نشان میدهد که نه تنها انقلاب نمرده است بلکه هر روز رشد بیشتری یافته و رژیم را در محاصره عجبی قرار داده است. جنبش انقلابی دانشجویی دانش آموزی فقط با در نظر داشتن این حقایق انداز و پند و خند است که میتواند حرکت خود را سازمان داده و با اتحاد یک جنبش مقاومت عدجندان توده ای ترصد چندان متا و متروصد چندان انقلابی ترا ر جنبش مقاومت اردیبهشت ماه، در بیداری و آگاهی بوده ها نقش خود را ایفا نماید. امروزه تسلیم طلبانی یافت میشوند که دم از مردن انقلاب و خردن آن به زبر زمینی می زنند و از توده های خواهی که بحسب آما دگی برای فصل در و و تیز کردن داس ها، بر عکس خود را برای یک شب زمستانی سخت آماده کرده و وسایل را در ابار ها بگذارند. آن ها جهت یابی خود را از دست داده اند. با بدست ها ی شکست طلبانه و تسلیم طلبانه را افشاء کرده و از تمام دانشجویان و دانش آموزان انقلابی خواست که برای به حرکت درآوردن یک جنبش سراسری دانشجویی و دانش آموزی و هر چه توده ای و هر چه بیاحمی- نران آماده شوند.

بیش بسوی سازماندهی جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی
بیش بسوی پیوند جنبش دانشجویی و دانش آموزی
با جنبش زحمتکشان و طبقه کارگر
برقرار و با دیمه پوری دمکراتیک خلق
سازمان پییکار در راه آزادی طبقه کارگر

دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۵۹

بها ۲۰ ریال

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org